

۱- اتفاق و سازگاری - از پهلوانان شاهنامه که پدر ایرج است- برقرار است.
۲- از بهار دندنها - بلبل خراسان - جامه کهنه و فرسوده - پایبادی را در دوستی - داریو خوشبو ماند مشک - سرخ ۴- وایه و بیهوده - شبیه و مانند - نخستین پزشک - حرف گزینش ۵- ترس و خامه - جای پر آشوب- پیشش مو ۶- زیبایی نمکین - پادشاه - خنک کننده ۷- دوستگ اسبا - شکرت و انبازی - کار طبابت ۸- انبازا- گویی - جامه گشتن و - یاریدادان - ریشه شکر ۹- گذرگاه سیل - ترک ضحاک ستمگر - هنوز در لفظ انگلیسی ۱۰- کم و اندک - سرگون و به رو افتاده - ادوات و تجهیزات ۱۱- مادر ترک زبان - شادی به غم دشمن - دود عربی ۱۲- ناپسند است از میوه های جایزی - عزیز عرب - فرس ۱۳- آدم دیگر و شیطانی صفت- هر چیز دورنگ - از سبزیهای خوردنی ۱۴- بابرا جامه بکار - بالا خانه - خامه پارچه ۱۵- جامه بر تن کرده - از کشورهای تازه استقلال یافته شرق اروپا